

# درس هشتم – نگاهی به فعل steigen به همراه پیشوندهای آن

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل steigen به همراه پیشوندهای آن

steigen

بالا رفتن ، اوج گرفتن ، صعود کردن ، سوار و پیاده شدن ، رخ دادن ، روی دادن ، پیش آمدن ، اتفاق افتادن ، خزیدن و وارد شدن

گذشته ساده : stiegen

گذشته کامل : sind gestiegen

مثال :

Auf einen Turm steigen

به روی یک برج صعود کردن

بالا رفتن از یک برج

Auf einen Stuhl steigen

به روی یک صندلی رفتن

Aufs Fahrrad steigen

به روی دوچرخه سوار شدن

Aus dem Auto steigen

از آن ماشین پیاده شدن

In den Bus steigen

در اتوبوس وارد شدن

Über die Mauer steigen

به بالای دیوار رفتن

Das Fieber ist auf 40° gestiegen

آن تب تا ۴۰ درجه بالا رفته است

Der Preis ist gestiegen

آن قیمت بالا رفته است

**ansteigen**

بالا رفتن ، زیاد شدن ، افزایش پیدا کردن

stieg an : گذشته ساده

sind angestiegen : گذشته کامل

مثال :

Die Straße **steigt an**

آن خیابان در حال افزایش یافتن است

یا اینکه : آن خیابان داره افزایش پیدا میکند

برای دیگر مثال ها در مورد ansteigen به همین ترتیب است

Das Gelände steigt an

آن محوطه در حال افزایش یافتن است

آن محوطه داره افزایش پیدا میکنه

Die Flut steigt an

آب دریا دارد یا در حال بالا آمدن است

Die Temperatur steigt an

درجه هوا در حال افزایش یافتن است

Die Besucherzahlen sind stark angestiegen

آمار بازدیدکنندگان به شدت افزایش یافته بود

Ansteigende Preise

افزایش قیمت

umsteigen

وسیله ی نقلیه خود را عوض کردن ، از ماشینی پیاده شدن و سوار ماشین دیگری شدن

گذشته ساده : stiegen um

گذشته کامل : sind umgestiegen

مثال :

In Köln müssen wir umsteigen

در شهر کل ما باید ( مسیر حرکتی خودمان را ) عوض کنیم

در شهر کل از یک وسیله نقلیه مثلا قطار پیاده شویم و سوار یک قطار دیگر یا تاکسی و ... شویم.

In die Linie 8 umsteigen

( برای عوض کردن مسیر ) به روی خط شماره ۸ رفتن

Auf einen anderen Wagen umsteigen

پیدا شدن از یک وسیله نقلیه و سوار شدن به یک وسیله نقلیه دیگر

Nach dem dritten Glas Wein stieg er auf Mineralwasser um

از سومین لیوان شراب به بعد او نوشیدنی اش را با آب معدنی عوض کرد

توضیحات : معمولا در فارسی ما می گویم ، باید در ایستگاه بعدی از این قطار پیدا شوم و سوار آن یکی قطار شوم یا راحتتر می گوییم باید قطار را عوض کنم. در زبان آلمانی ما هرگاه بخواهیم وسیله نقلیه ای را عوض کنیم یعنی از آن پیدا شویم و به روی یک وسیله نقلیه دیگر سوار شویم ، آنگاه از umsteigen استفاده می کنیم، حال این وسیله می تواند دوچرخه باشد یا اتوبوس و ...

پس هرگاه من از دوچرخه خودم بخواهم پیدا شوم و سوار اتوبوس شوم نیز umsteigen کرده ام : (

**aufsteigen**

سوار شدن ، صعود کردن ، بالا رفتن چیزی مانند دود ، اوج گرفتن از زمین ، برخاستن

گذشته ساده : stiegen auf

گذشته کامل : sind aufgestiegen

مثال :

Auf das Fahrrad aufsteigen

به روی آن دوچرخه سوار شدن

Auf den Traktor aufsteigen

به روی آن تراکتور سوار شدن

Auf das Pferd aufsteigen

به روی آن اسب سوار شدن

aufstiegen می تواند معنی بالا رفتن را نیز بدهد ، مانند :

Auf einen Berg aufsteigen

از یک کوه بالا رفتن یا صعود کردن

Zum Gipfel aufsteigen

به قله کوه صعود کردن

توضیحات : پس هرگاه بخواهم سوار هر وسیله نقلیه ای بشوم یا از یک کوه صعود میکنیم ، آنگاه می توانیم از فعل aufsteigen استفاده میکنم.

aussteigen

پیاده شدن ، از معامله ای کنار کشیدن

گذشته ساده : stiegen aus

گذشته کامل : sind ausgestiegen

مثال :

Nicht aussteigen, bevor der Zug hält!

تا وقتی که قطار توقف نکرده ، پیدا نشوید!

Aus dem Auto aussteigen

از یک ماشین پیاده شدن

Jemanden aussteigen lassen

بزاریم کسی از وسیله نقلیه پیاده شود

فعل aussteigen گفتیم می تواند معنی از معامله ای کنار کشیدن را نیز بدهد ، مانند :

Aus einem Vertrag aussteigen

از یک قرارداد کنار کشیدن

Aus einer Filmrolle aussteigen

از یک نقش در فیلمی کنار کشیدن

Er ist aus dem Geschäft ausgestiegen

او از تجارت کنار کشیده است

مثلا : دکان یا مغازه اش را برای همیشه تعطیل کرده است و دیگر ادامه نمیدهد

توضیحات : پس هر گاه بخواهیم از یک وسیله نقلیه پیدا شویم یا از معامله یا کاری کنار بکشیم ، آنگاه می بایستی از فعل  
aussteigen استفاده کنیم

absteigen

از اسب یا ماشین یا هر نوع وسیله ی نقلیه پیاده شدن ، در منزل یا مکانی سکنی گزیدن ، از اعتبار افتادن ، از بین رفتن وجهه

گذشته ساده : stiegen ab

گذشته کامل : sind abgestiegen

مثال :

Vom Rad absteigen

از چرخ پیاده شدن

Vom Pferd absteigen

از اسب پیاده شدن

In einem billigen Hotel absteigen

در یک هتل ارزان ساکن شدن

Der Verein ist in der vorigen Saison in die Kreisklasse abgestiegen

آن مجموعه ( تیم ها ) در فصل گذشته توی لیگ منطقه اعتبارش را از دست داده بود

یا اینکه آن تیم در فصل گذشته توی لیگ منطقه حرفی برای گفتن نداشت

besteigen

صعود کردن ، بالا رفتن ، سوار شدن ، بر تخت نشستن

گذشته ساده : bestiegen

گذشته کامل : haben bestiegen

مثال :

Einen Berg besteigen

یک کوه را فتح کردن

Einen Aussichtsturm besteigen

از یک برج مراقبت بالا رفتن

Ein Pferd, das Fahrrad, die Kanzel besteigen

به نیت سوار شدن از یک اسب ، از یک دوچرخه یا یک اتاقک چوبی بالای درخت بالا رفتن

Der Hahn besteigt die Henne

آن خروس سوار آن مرغ می شود ☹

توضیحات : اگر به مثال های هر بخش توجه کنید ، بیشتر خواهید درک کرد نحوه کاربرد افعال را ، اما نکته ای که در besteigen وجود دارد این است که توجه کنید که Akkusativ است یعنی در تفکر آلمانی ما یک ماشین را سوار می شویم ، یا به نیت سوار شدن از یک ماشین بالا میرویم و این همان بحث تفاوت تفکرات فارسی زبان ها و آلمانی زبان ها می باشد!

Den Zug besteigen, ein Auto, ein Schiff besteigen



سوار یک قطار ، یک اتومبیل ، یک کشتی شدن

ersteigen

از کوه صعود کردن

گذشته ساده : erstiegen

گذشته کامل : haben erstiegen

مثال :

Wir erstiegen den Berg in vier Stunden

ما از آن کوه در ۴ ساعت آینده صعود میکنیم.

توضیحات : در فارسی ما از یک کوه صعود میکنیم یعنی Dativ به دلیل وجود ( از ) در جمله ، اما در تفکر آلمانی زبان ها ما یک کوه را صعود میکنیم اما برای بعضی از افعال راهی نیز وجود دارد. ما می توانیم با عوض کردن فعل صعود کردن به جای فتح کردن ، جملاتمان را همانند آلمانی Akkusativ کنیم ، مانند اینکه من بگویم : ما تا ۴ ساعت آینده آن کوه را فتح می کنیم.

einsteigen

سوار ماشین شدن ، در انجام کاری شرکت کردن ، وارد شدن دزد به خانه ، غیر قانونی وارد مکانی شدن

گذشته ساده : stiegen ein

گذشته کامل : sind eingestiegen

مثال :

In ein Auto, in den Zug, Bus einsteigen

سوار شدن در یک ماشین ، در یک قطار ، در یک اتوبوس

Die Diebe sind über den Balkon in das Haus eingestiegen

زدان از روی بالکن دزدکی وارد آن خانه شده اند

Auf eine Frage einsteigen

در یک پرسش شرکت کردن

دقت کرده اید که ما در فارسی می توانیم بگوییم : آن جلو سوار می شویم یا در اینجا سوار نمی شوم و یا اینکه بگوییم به بالای چیزی یا به روی چیزی میروم و ... باید بگوییم که در زبان آلمانی هر کدام از این ها می تواند یک فعل مخصوص به خودش را داشته باشد یعنی با ترکیب شدن حروف اضافه و فعل steigen آنگاه ما یک فعل جدا شدنی داریم.

همانند حروف زیر که می توانند با افعال ما ترکیب شوند :

über بالای ، روی ، برفراز ، آن طرف

hinweg به دور از اینجا

hinein از این بیرون به آن داخل ، به درون

aufwärts به سمت بالا ، سربالایی

hinunter به آن پایین ، به آن زیر

hoch در ارتفاع ، در بلندی

durch از بین ، از میان ، از وسط

hinaus از این داخل به آن داخل ، به بیرون

darüber بر روی آن ، بالای آن

herunter به این پایین ، به این زیر

herrein به این داخل ، به درون

heraus به خارج ، به بیرون ، از آن داخل به آن بیرون

hinüber به آن سمت ، به آن طرف

hinauf از این پایین به آن بالا ، به بالا

nieder رو به سقوط ، رو به ارتفاع پایین

empor به سمت بالا ، به طرف بالا

hinab از این بالا به آن پایین ، به زیر

مثال :

Einen Zaun, eine Mauer übersteigen

به روی یک دیوار ، به روی پرچین یا حصار رفتن

توضیحات کلی : در زبان فارسی ما می توانیم در تمام موقعیت های که در مثال های بالا گفته شد از فعل رفتن استفاده کنیم ، مثلا : من از یک دیوار بالا میروم ، یا از کوه بالا میروم ، یا میروم سوار ماشین بشم ، میروم قطارم را عوض کنم ، از درخت بالا رفتن و ... اما تفاوت های در طرز تفکر آلمانی زبان ها و فارسی زبان ها وجود دارد که می بایستی به مرور زمان با آنها آشنا شویم و سعی کنیم هنگام صحبت کردن به زبان آلمانی کاملا آلمانی فکر کنیم ، نه اینکه فارسی فکر کنیم و نتیجه فکر کردنمان را به زبان آلمانی ترجمه کنیم ، زیرا در این صورت کسی گفته های ما را درک نخواهد کرد!

اما پسوندی که با steigen ترکیب شدند در بعضی موارد معانی مشابه زیادی داشتن ، شاید برایتان سوال پیش بیاید که تفاوت آنها در چیست و در واقع چه فرقی اصلا بین اینهاست ؟

همانطور که ما در فارسی برای گفتن یک جمله افعال زیادی را می توانیم استفاده کنیم ، در زبان آلمانی نیز به همین صورت است و گاهی واقعا نمی شود تفاوتی بین آنها پیدا کرد ، فرض کنید یک خارجی زبان که دارد فارسی یاد می گیرد از ما بپرسد چه تفاوتی بین دو جمله زیر است ؟

من باید قطارم را عوض کنم

من باید از این قطار پیاده شوم و سوار آن یکی قطار شوم

وقتی در موقعیت مشابه مورد استفاده قرار بگیرند ، می بینید که درک مشابه ی نیز از آن می شود.

افعال گفته شده در این درس نیز به همین صورت است و با دقت در ترجمه و مثال های هر بخش ، می توانید بهتر معانی آنها را

درک کنید.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، سوال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.